

"فهرست"

-مقدمه

-عوامل افسردگی و پوچی و عوامل شادبهای پایدار

-شناخت ویژگیهای بیت عنکبوت

-علت سجده بر آدم

-اقسام مردم

-ریشه افسردگی

-شباهتهای انسان و گیاه

-مهمترین خطر انسان و درمان آن

-راههای ذاکر شدن انسان

-اهداف زیارت

-وجوب زیارت

-هدف ذکر

-رابطه ما با خدا و خلق

-بحران هویت

-ثمرات زیارت

-طهارت

-چند نکته در باب زیارت

-قیام از آثار مهم زیارت

-شرط قیام چیست؟

"مقدمه"

انسان امروز دچار انواع افسردگی است که حاصل آن تنبلی ، خمودگی ، کسالت، بی حوصلگی،...می باشد. به عبارتی انسان استعدادش را شکوفا نمی کند، احساس مسئولیت نمیکند و فرصت شکوفائی را از خود میگیرد. در حالیکه انسان باید برای خودش فرصت سازی کند.

و امتحان انسان همین است که « در وضعیت بحرانی» چه میکند.

در سوره بقره آیه 177 بعد از اینکه « شرقی و غربی شدن » و « تغییر دائمی مواضع » را از « ابرار » نفی می کند ، می فرماید: (... ولكن البر من آمن بالله و اليوم الآخر و الملائكة و الكتاب و النبيين و...

و « ویژگیهای ابرار » را اینگونه بیان میفرماید:

1- ایمان دارند به پنج چیز.

2- به شش گروه به عشق خدا ، کمک مالی میکنند.

3- نماز اقامه میکنند

4- زکات میپردازند

5- به عهد و پیمان وفا میکنند و

6- صبر میکنند در حوادث بیرونی و درونی و در « درون بحران ».

لذا با توجه به آیات قرآن انسانها دو دسته اند:

الف) صدق بالحسنی: زیبایی ها را اعلام و بیان میکنند.

ب) من بخل واستغنی: زیبایی را تکذیب میکنند در خودشان و اطرافشان.

حال باید بدانیم چرا انسان در گروه دوم قرار میگیرد؟

چرا دچار افسردگیهای گوناگون میشود؟

و بالاخره اینکه چرا زیارت واجب است؟

شناخت عوامل افسردگی و پوچی و عوامل شادیهای پایدار"

ابتدا باید به مبانی اعتقادی خود توجه داشته باشیم که توجه به امور ذیل میباشد:

1- ما اراجیهای بهشت هستیم

2- اینجا محل آمادگی و بالندگی است، محل رشد و تحول ماست.

3- مهمترین نکته اینکه بدانیم انالله و انا الیه راجعونما متعلق به خداوندیم.

4- بدون یک لحظه توقف به سوی خدا مراجعت میکنیم. 2

راجعون اجباری است اما نرجع اختیاری است ما برای رفتن و فنا آفریده شده ایم نه برای بقا.

5- بدانیم-تنها محل بازگشت و پرواز ما "بیت" است. سوره نساء آیه 100 و من یخرج من بینه مهاجرا الی ... و رسوله.

نماز رو به بیت است.

پیشوایان ما اهل البیت هستند.

حضرت آسیه از خدا بیت خواستند.

لذا بیت پاکترین و مقدس ترین مکان در زمین است. بیت محل تجلی نور الهی است و در آن رجس نیست.

تذکر: اما شرط بیت این است که بیت عنکبوت نباشد.

اوهن البیوت لبیت العنکبوت. پائین ترین بیت، بیت عنکبوت است

"ویژگیهای بیت عنکبوت"

1- بیت عنکبوت شکم سراسر است: حضرت علی(ع) در باره بعضی انسانها میفرماید: دغدغه آنها شکم آنهاست.

2- بیت عنکبوت ما را دعوت به آخور میکند کاری به آخرت ندارد یعنی خانه ای که در آن عقلانیت نیست شکم و شهوت است.

3- در بیت عنكبوت خانه اش شکارگاهش است. تنها حیوانی است که خانه و شکارگاهش یکی است.

4- در بیت عنكبوت انس و الفتی نیست.

پس این دو بیت تفاوت اساسی دارند. بنابراین دو نوع بیت از نظر قرآن داریم:

الف) بیتی که به دنبال تکثیر است- یعنی طلبکاری- پرتوقع بودن

ب) بیتی که در آن به دنبال کوثر است یعنی بدهکاری. بی توقعی.

تذکر (2): با گذرگاه دانستن دنیا و قرارگاه ندانستن دنیا و توجه به در حال امتحان بودن انسان و بهانه

بودن انسان متوجه این نکته می‌شویم که مشکلات فرصت قوی شدن و مقاوم شدن را فراهم میکند

"سجده بر آدم"

زمانیکه خداوند آدم (ع) را خلق کرد و اسماء را به آدم آموخت آیه 30 سوره بقره: "و علم ادم الاسماء کلها ثم

عرضهم علی الملائکة فقال انبئونی باسماء هولاء ان کتتم صادقین"

و آموخت به آدم همه اسماء را و...

سپس به ملائکه گفت: بر آدم سجده کنید. آیه 32 سوره بقره.

و اذقلنا للملائکة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس... 3

هنگامیکه گفتیم به ملائکه سجده کنید بر آدم همه سجده کردند مگر ابلیس... باید توجه داشته باشیم

که این آیات که پس از آیات پیرامون خلقت انسان است بعد از بیان این مشکل آدم میباشد که خداوند

پس از دو مشکل: یفسد فیها و یسفک الدماء

دستور سجده بر آدم را به ملائکه میفرماید: پس سجده بر آدم برای رفع مشکل است.

یسفک الدماء یعنی همه چیز را از مسیر اصلی خودش خارج میکند.

پس آدم:

1- فئسی، آدم تعهدات خود را فراموش کرد.

2- و لم نجد له عزما، آدم تعهداتش را فراموش میکند؛ یعنی عزم و اراده او بالقوه است بالفعل نیست.

3- توجه دادن به این نکته که شیطان عدو آدم و زوج اوست. پس کار شیطان عداوت است.

پس سجده برای آدم می‌خواهد مشکلات او را حل کند و عزم و اراده بالقوه او را به بالفعل تبدیل کند.

حال زن تبلور سجده ملائکه بود حوا تبلور سجده بود. زن مقام سجده را داشت و باید ابراز کند.

سجده به خداست برای آدم.

پس سجده با زوجیت ارتباط دارد. زوجیت و سجده باید شانی داشته باشد پس زنها سبب و واسطه هستند.

همه کرامت و قداست در وجود زن است.

تذکر: دنیا محل تمرین سجده است.

سجده مقام است.

در قیامت به گروهی گفته میشود سجده کنید نمیتوانند.

"اقسام مردم"

هر آفرینش و خلقتی محدود است.

سوره طلاق آیه 3: قد جعل الله لكل شئ قدرا.

این قدر و قدرت محدود را برای چه به مخلوق میدهند؟ چون وظیفه اش را انجام دهد و استعدادهايش را شکوفا کند. انسان در زمین برای روئیدن قرار گرفته است والله انبتکم من الارض نباتا. سوره نور آیه 17 همه مخلوقات توانایی هایشان را ابراز میکنند تنها کسی که رویش او شدت و ضعف در انسان دارد انسان است.

در طبیعت همه چیز طبیعی رشد میکند اما برای انسانها در شرایط یکسان رشد یکسان نیست.

در چه صورت انسان استعداد خود را شکوفا نمیکند؟ برای پاسخ به شناخت اقسام مردم میپردازیم

اقسام مردم:

4

1- گروهی که اعتقاد دارند زندگی بیهوده و بازی نیست و اصل مهم اینکه ما در حال امتحانیم و در معرض حسابرسی قیامتیم پس خود را مسئول میدانند:

"ما خلقنا السماء و الارض لاعین."

افخستم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون

2- گروه دوم: دنیا را بازی و سرگرمی و زینت میدانند.

انما الحیوة الدنيا لعب و لهو

اینها خلقت خود را بیهوده، بی هدف و پوچ میپندارند و نظرشان این است که ما به سوی خدا بر نمی گردیم و یا عذاب نمیکشیم یا عذاب ما بسیار اندک است. پس احساس مسئولیت نمیکنند.

"ویژگیهای گروه اول"

1- فرد مسئول در هر فرصتی و در هر مکان و زمانی خودش را (قدر و استعداد و توانمندی های خودش، جسمی، جنسی، عاطفی، علمی، معرفتی، روحانی و...) ابراز میکند.

2- خود را در معرض کوثریت قرار میدهد، یعنی از هر فرصتی برای بخشش، خلاقیت، رفع موانع،... استفاده میکند. به دنبال بهانه اند که فوران داشته باشند. راضی هستند ولی به هیچ وضعیتی قانع نیستند.

"ویژگیهای گروه دوم"

1- بخل می ورزند.

2- یکتمون ما اثم الله من فضله. (فضیلت را کتمان میکنند.)

3- انفاق و ابرار و اظهارشان برای این است که مردم ببینند (برای ریاکاری است.)

(انفاق آنها همراه منت و آزار است.)

4- لهم قلوب لایفقهون_ لهم اذان لایسمعون، لایتفکرون، لایعقلون، لایشعرون...

گروه اول شجره طیبه و گروه دوم شجره خبیثه است.

ماکان الله لیذر المومنین علی ما اتم علیهم حتی یمیز الخبیث من الطیب، خدا رها نمیکند مومنین را تا خبیث و طیب را جداسازی نکند

"ریشه افسردگی"

آنچه بین ما و خدا فاصله انداخت "منیت" و "نفس" میباشد، "من" را میتوان نداشته باشیم ولی نفس را باید مهار کنیم.

پس از اخراج از بهشت بین "ما و خدا" فاصله افتاد، درک فاصله بین ما و خدا به ما احساس غربت میدهد. لذا در دل انسان باید گل عشق به معشوق غنچه بزند.

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک 5

عشق ما را باید به. قربۀ الی اللہ برساند آدم و حوا عاشق نشدند به مخلوق تقرب پیدا کردند، نزدیکی ما به مخلوق مشکلی را حل نمیکنند

کسانی که غربت را در جهت خالق به کار نمیبرند. غربت را در جهت هوس (آرزو) بکار میبرند و چون به آنها نمی رسد دائما غم و غصه و حسرت دارد یا دچار تکبر و غرور میشود یا دچار خشم و کینه میشود.

در برخورد با افراد اگر تقرب فرد به مخلوق باشد. این آدم غم بی پایان دارد و همیشه در حسرت و غصه است.

حضرت علی (ع) میفرماید: للمرائی اربعة غلامات، 1- کسل است وقتی تنهاست.

2- نشاط دارد وقتی در جمع دوستان است.

3- کارش را زیاد میکنند وقتی حمد و ثنایی برایش است.

4- کارش را کم میکند وقتی کسی او را حمد و ثنا نمیکند، اما کسیکه خدا را میخواهد: لاخوف علیهم و لا یحزنون (ریشه شادی این باور است)

پس اگر باورهای ما تغییر کند، افسردگی ما با شادی ما، جایش عوض میشود. بنابراین انسان باید باورهایش را تنظیم کند. گروهی با خود شناسی خدا را درون خود پیدا میکنند و عده ای از خود بیگانه اند و احساس غربت ندارند.

"شباهتهای انسان به گیاه"

ما انسانها را به گیاه تشبیه کرده اند. زیرا انسان شباهتهایی به گیاه دارند از جمله ویژگیهای گیاه عبارت است از:

1- گیاه بر خلاف حیوان عاشق نور است.

2- رویش گیاه همیشه رو به بالاست. اصلها ثابت و فرعها فی السماء.

3- گیاه تابع محیط زیست بلکه به محیط طراوت می بخشد.

4- گیاه شب نفس میگیرد روز نفس میدهد، شب اکسیژن میگیرد، روز اکسیژن میدهد.

5- گیاه سمبل قیام و استقامت و مقاومت است.

6- گیاه مظهر رویش و پاکی و زیبایی است.

7- گیاه سایه دل انگیزی دارد و آرامش بخش است.

8- گیاه دستی در غیب زمین دارد و عناصر آن را به فرآورده های قابل مصرف در می آورد.

9- گیاه مانند حیوان خودخواهی و قلمرو ندارد و مانند موجودات دیگر نزا عتدارند.

10- گیاه اولین جلوه خدادار زمین و مهمترین عامل زندگی حیوان و انسان است.

12- گیاه مظهر وارستگی هست به هیچ شخص بردگی، عادت و تعلق پیدا نمی کند.

13- از منظر قرآن گیاهان همراه با ستارگان و ماهنگ با جاذبه آنها در حال سجده اند "النجم والشجر یسجدان"

خدا اولین پیمان پیامبر را شجره نامیده است. 6

خدا از طریق شجره (درخت) باموسی سخن گفت.

انبیا و اولیا را شجره طیبه می نامیم

"مهمترین خطر انسان و درمان آن"

مهمترین خطری که انسان رانده شده از بهشت و سرگرم شده به زخرفات هوس انگیز طبیعت و مادیت و ثروت و قدرت و شهرت را دائما تهدید میکند غفلت است، غفلت به خواب رفتن و قفل شدن قلب و سبات عقل (عقل اسیر شهوت) است

و مهمترین داروی غفلت **ذکر** یعنی تذکر و یادآوری است.

ذکر باید ذکری باشد که به قلب برسد یعنی باید قلب را ذاکر کند نه فقط زبان را اسلام برای هر ثانیه و دقیقه، هر صبح و شام، هر ماه و فصل و هر کار و موقعیتی برنامه و تکلیف روشن و دقیقی دارد اول هر کار بسم الله گفتن و صبح و شام تسبیح گفتن.

"راههای ذاکر شدن"

1- توصیه به وضو داشتن دائمی.

2- تشریح نماز.

انواع نمازها عبارتند از: نماز ورودی، نماز روزانه (17 رکعت)، نماز شبانه (3 رکعت)، نمازهای هفتگی (4 رکعت)، نمازهای ماهانه (4 رکعت)، نمازهای سالانه (4 رکعت)، نمازهای موعدی مانند نماز آیات، نمازهای جبرانی (قضا)، نمازهای ویژه (مثل نماز غفیله، خوف، وحشت)، نمازهای ذخیره ای (نافله، 31 رکعت)، نمازهای سرمایه ای (نماز زیارات، نمازهای حاجت، نماز خداحافظی (نماز اموات)

3- اعیاد.

4- ایام و ماههای خاص مثل محرم، صفر، عاشورا، دهه ذیحجه.

5- ضیافت ماه مبارک رمضان. 6- میلاد و شهادت پیامبران و ائمه اطهار.

7- شبها و روزهای مهم مانند لیلۃ الرغائب، دحوالارض، لیلۃ المیت.

8- اعتکافهای مختلف.

9- زیارت مدینه، عتبات، امام رضا (ع) و سایر زیارتها.

10- رفتن به مزار شهداء، علماء، والدین، اهل قبور.

11- انجام انواع خمس و زکات، نهی از منکر و امر به معروف و توبی و تبری، انجام کل فروع دین.

پس اگر حواستان به همه جا هست افسرده نمی شوید، چون مسئول هستید.

7

12- شب زنده داری، تهجد، شب قیام کنید به قیام برسید، مقاومت پیدا کنید که در روز دز هیچ بحرانی کم نیایرید.

صراط مستقیم یعنی قیام طلب است مقاومت می خواهد یعنی تعادل خود را حفظ می کند.

13- دعای کمیل و ندبه، سمات، توسلهای مختلف، 10 بار تسبیحات اربعه در هر طلوع و غروب.

هر روز دعا، زیارت و ذکر دارد برای هر روز و هر ماه، هر روز هفته دعا داریم. (تقویم عبادی)

14- اطعام مساکین، افطار، خیرات، نذورات، انواع وقفها، صدقات قرض الحسنه ها، صلوات ارحام، دیدار علماء

و...

15- تعلیم و تعلم، احترام و حضور در مساجد و... آدم ها یا باید عالم باشند یا در درس علماء باشند.

16- احترام به حوادث مثلا هلال ماه را دیدید صلوات بفرستید.

17- شرکت در مراسم عروسی ها، ختم ها و...

18- در مکانهای مختلف دستوراتی داریم که رعایت کنیم.

با هر چیزی خود را ذاکر کنیم، برای همه اعمال دعا کنیم به بهانه هر کسی با خدا رابطه برقرار کنیم.

تذکر 1: نماز ورودی 10 تکبیر و اذان و اقامه در گوش نوزاد است، نماز اموات هم 5 تکبیر دارد. بیان اذان و اقامه در گوش نوزاد برای والدین است.

آیه 233 سوره بقره مادر بخاطر بچه اش نباید ضرر کند لاتضار والده بولدها هیچ کس به خاطر کس دیگر نباید خاسر شود انگیزه هر حرکتی برای هر انسانی نفع است.

مردم دو دسته اند یا سود دنیوی را می خواهند (نفع) یا سود اخروی را می خواهند (خیر) یعنی خیر را در آخرت ببینیم.

نماز از اذان شروع میشود تنها صدایی که از زمین به آسمان بالا می رود اذان و اقامه است. بنابراین اذان و اقامه بسیار مهم است.

تذکر 2: چه کنیم چیزی تکراری نشود تکرار بشود اما تکراری نشود، لازمه این امر توجه قلبی است، برای اینکه لاهیه قلوبهم نباشیم باید اعمال را بفهمیم پس زیارت مهمترین عامل ذاکر شدن است.

"اهداف زیارت"

اهداف زیارت دو تاست:

1- ذکر یک هدف مهم زیارت است.

2- در زیارت باید عقل متصل را (عقل) با عقل منفصل (پیامبر و ائمه) به کمال برسانیم.

8

وجوب زیارت هر فردی دو شناسنامه میتواند داشته باشد. شناسنامه دنیوی-

شناسنامه اخروی

1- شناسنامه دنیوی: با تولد صادر میشود و با فوت شدن باطل میگردد. و نامهای والد و والده و همسر و اولاد در آن نوشته می شود.

2- در شناسنامه اخروی اطلاعات زیر وجود دارد:

الف) اب - آباء: حضرت ابراهیم پدر ما هستند، آباء ما هستند (آیه 78 سوره حج)

انسان برای مقام خلافت جعل شده است. حضرت علی (ع) در عید غدیر جعل شدند منصوب شدند، یعنی لیاقتی است که ثابت است.

نصب موقتی است ولی جعل همیشگی است.)

ب) ام: حضرت زهرا (س) ام ما هستند، ام ایها هم هستند.

ج) ازواجنا: (در قیامت زنها حتما زوج هستند، زن حتما مقام زوجیت را احراز کرده است)

د) ذریه: ذریه سببی است.

گفتیم پس از اخراج از بهشت که بین ما و خدا فاصله افتاد آن فاصله "من" است و اولین جایی که منیت حذف می شود در ازدواج است و هویت جدید و شان جدید می یابد. آموزش در خودشناسی است.

با حفظ این شناسنامه افراد را به بهشت راه میدهند، باید مسلمان بمانیم (ماهر شب فوت داریم، موت نداریم) شرطش این است که ما سعی کنیم نمیریم. (آیه 132 سوره بقره) "لاتموتن الا و اتمم مسلمون" مهم عاقبت کار است. باید مسلمان بمانم تا آخرین لحظه تسلیم عقل (رسول باطنی) باشم.

دین ما فطری است. پس پیامبران شریعت را مشخص کردند. طبق فرمان عقل باید رسول ظاهری را اطاعت کرد.

پس اگر انبیاء و ائمه پدران ما هستند طبق آیه صلح رحم زیارت واجب است واجب فقهی نیست وجوب عقلی دارد.

"هدف ذکر"

گفتیم یکی از مهمترین بدیهیات برای انسان این است که در هیچ شرایطی نباید ضرر کنیم در تعاملات سیاسی، اجتماعی نباید ضرر کنیم و هر فردی در هر رفتاری به دنبال سود میگردد و خیر سود اخروی و ماندگار و نفع سود دنیوی ناپایدار است.

مهمترین سرمایه ما دوتاست:

1- روح خدا: نفخت فیه من روحی.

2- فطرت ماست: فطرت اللّٰه التي فطر الناس علیها.

سپس:

الف) علم ادم الاسماء (آیه 21 سوره بقره)

ب) علم القرآن (آیه 2 س الرحمن)

ج) علم البيان (آیه 4 س الرحمن)

د) علم الانسان مالم يعلم (آیه 5 س علق)

والله انبتیکم من الارض نباتا.

خیر ما ریشه در خود شکوفائی و خود باوری ماست.

. ضرر یعنی ضرر حقیقی بخل ورزیدن و کتمان است. آیه 35 سوره نساء "یکتمون لیبلوکم فی ناساتکم": آیه 165 سوره انعام.

الذین یبخلون و یامرون الناس بالبخل

انسان چه زمانی بخل می ورزد و کتمان می کند؟ وقتی دچار **غفلت** می شود.

پس ریشه افسردگی بخل، از خود غافل شدن است

پس مهمترین هدف ذکر در آوردن انسان از غفلت است

"رابطه ما با خدا و خلق"

آیا ما فقط به خدا نیازمندیم یا هم به خدا، هم به پیامبر و... نیازمندیم.

یقین یعنی بفهمیم به واسطه ها نیاز نداریم، خدا اینها را داده تا ما را امتحان کند.

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.

موحد یعنی به وسیله نباید نگاه کرد، ما به خلق خدا **نیاز** نداریم از پیامبران و امامان باید **اطاعت** کنیم. زیرا خدا گفته: ما نسبت به همه مخلوقات **تکلیف** داریم. پس ارتباط ما با خلق برسر **تکلیف** است. ذکرها این توجه را به ما میدهد، که ما فقط با خدا طرف هستیم ما اجر خود را از خدا میخواهیم.

در دعا می گوییم خدایا، مرا محتاج خلقت نکن.

حال چون انسان غافل می شود باید دائما ذکر بگوید، دائما در نماز باشد.

آدم ذاکر: امانتهایش را می بیند.

آدم غافل: نداشتنهای خود را میبیند.

ماتشاءون الا ان یشاء الله. (ما چیزی نمیخواهیم جز آن چه خدا می خواهد.)

ذاکر یعنی فقط ذکرش خداست، به هیچ چیز نیاز ندارد. (پس انسان ذاکر سعی میکند هر کاری که میکند به نام خدا و به اسم خدا باشد)

10

ذکر 4 سطح دارد: زبانی، معنایی، قلبی، انقطاع (منقطع بودن از مخلوق) امتحان انسان همین است که وابستگی دارد یا وابستگی؟

آدم غافل به هر چیزی وابسته می شود اما انسان ذاکر به هیچ چیز وابسته نمی شود و به پیامبر و امام هم به خاطر خداست. انسان به دنیا هبوط کرد تا وابستگی یا وابستگی او نسبت به شرایط درونی و بیرونی مخلوقات معلوم می شود.

ذاکر می فهمد که مهمان است و برای رفتن از خلق به عقل باید از هر چیزی قطع علاقه کند اما انس بورزد به خاطر خدا.

انس رفتار آگاهانه ارادی و عاقلانه است. انس به هستی و هر چیزی که از جنس وجود است هر چیزی که خدایی است لذا مومن رحمه للعالمین است. مثلا: طبق قرآن وظیفه فرد در رابطه با والدینش:

الف) مصاحبت زیبا ب) احسان و نیکی ج) شکر است.

شکر یعنی توجه به اینکه هر چیزی به ما رسیده به واسطه پدر و مادر بوده است، پس ذاکر درک می کند که در محضر خداست

"بحران هویت"

انتظار ما از زندگی شادی و شکوفائی است، اما اکثر مردم در غم و غصه و افسردگی غرقند. که به علت از خود بیگانگی است که باعث بیماری بحران هویت شده است.

اولین کسی که دچار بحران هویت شد ابلیس بود که حاضر نشد برای آدم سجده کند، اما شیطان هم نقش خود را (عداوت با بندگان) پذیرفته و یک لحظه از اغوای خلق غفلت نمیکند.

فقط انسان تنها موجودی است که به نقش خود اعتراض دارد و گاه نقشی را که نظام **حکیمانه** الهی برای او تعیین کرده نمی پذیرد. وظایف خود را فراموش میکند از نقشی که برایش آفریده شده است تکلف دارد، کارهای دیگری میکند و چون متناسب با طاقت او نیست دچار بحران می شود.

حق من یعنی وظایف و تکالیف من یعنی شکوفائی استعدادهای من.

خداوند استعداد و توانایی را در من قرار داده است و انسان می تواند شکوفا شود یا سرمایه های خود را از دست بدهد(خسران)

انسان برای شکوفائی با مشکلاتش روبروست، و انسان خاسر بخل می ورزد و کتمان می کنند، یعنی از اختیار خود استفاده نکرده است، بی اختیار شدن به خاطر عادتها، رسوم و ... وابستگی دارد، دلبستگی دارد.

بحران هویت یعنی نقش را نپذیرفتن، نقش وساطت را نپذیرفتن، لذا یک محور مهم در زیارت توجه به **خداست**. زیرا بنده خدا می فهمد از خود چیزی ندارد، بنابراین در کنار خدا آرامش می یابد. خودخواه نمی شود و ثمره همه عبادات باید **وارستگی** باشد.

پس ما نسبت به اطرافیانمان وظیفه داریم اما نه این که وابسته به آنها شویم. لذا به زیارت می رویم، نماز می خوانیم و ... تا خود را اصلاح کنیم و وظایف خود را بفهمیم؛ زیرا **کارنامه و سرنوشت هر کس در گرو اعتقادات و رفتارها و باورهای خودش است**.

و در خطبه 176 نهج آمده که حضرت علی(ع) فرمودند: خوشا به حال کسی که مشغول شدنش به عیب خودش او را از پرداختن به عیب مردم باز دارد.

11

طوبی لمن شغل نفسه

پس زیارت برای ذکر و تذکر است.

انسان باید خلیفه باشد، و ما تنها مخلوقی هستیم که برای نقش آفریده شدیم. (آیه 30 سوره بقره) و ما در قبال هم **وظیفه داریم ولی توقع نداریم**.

و در خطبه دیگری در نهج فرموده: من شغل نفسه بغير نفسه، تحیر

کسی که به غیر خود مشغول گردد: 1- در تاریکی سرگردان میشود. 2- در همه چیز شک و تردید دارد. 3- در لغزشگاهها می افتد. 4- شیاطین او را به حریم شکنی و طغیان می کشند. 5- کارهای زشت او را برایش تزیین می کنند.

"ثمرات زیارت"

1- مشارطه باخودم: برنامه گذاشتن در همه ابعاد برای خود

2- مراقبه از خودم: (افکارم، گفتارم، رفتارم، اخلاقم، اعتقاداتم، ...)

3- محاسبه خودم از: (افکارم، گفتارم، رفتارم، اخلاقم، اعتقاداتم، ...)

لیس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم

از ما نسبت کسی که نفس خود را هر روز محاسبه نکند.

4- معاتبه خودم: سرزنش خود

5- معاقبه خود: عقاب و مجازات خود

6- عادت شکنی: مبارزه با انواع اعتیادها و وسواسها.

7- برای تشکر و قدر دانی از نعمت های فراوان الهی (کار شیطان این است که ما قدر دان نعمتهای الهی

نباشیم او با ما عداوت دارد و هدفش این است که نعمتها و داده ها را نبینیم و نداده ها را

ببینیم.) (آیه 17 سوره اعراف)

8- برای صالح شدن.

تذکر (1): برای صالح شدن نمی خواهیم کسی را اصلاح کنیم، آدم صالح درک درستی از زمان و مکان

دارد.

تفاوت زیارت با جهانگردی این است که در جهانگردی مکان را میبینیم، اما در زیارت زمان را می بینیم

که در آن رخ دادها چه عبرتها و درسهایی داشته است. این حوادث می تواند در انسان سازندگی ایجاد کند

با دیدن این گذشته، آینده خود را بسازیم زیرا می شود اشتباهات گذشتگان را تکرار نکرد چون قوانین

آفرینش (سنن الهی) ثابت هستند.

تذکر (2): تنها راه هدایت انسان **آیه** است.

مردم سه دسته اند:

الف) با آیات آفاقی مبعوث می شوند، مانند پیامبرانی که آیات آفاقی را دیدند و هدایت شدند.

12

ب) با آیات پیامبران مبعوث می شوند مانند مومنانی که با آیات پیامبران هدایت می شوند.

ج) با شیپور اسرافیل مبعوث می شوند، مانند کافرانی که با شیپور بیدار می شوند.

9- به فوران در آوردن میثاق فطرت و به فواران در آوردن عقلانیت.

10- برای درک ضرورت پیشتازی و رسیدن به امامت متقین (امامت عامه) امامت خاصه 12 امام

هستند، امامت عامه مومنانی هستند که مطیع و تابع هستند در امامت عامه نایب می شود پیشوا و پیشتاز

می شود.

(در سوره فرقان آیه 61 تا 73 ویژگیهای عباد الرحمن را چنین مطرح می فرماید: عباد الرحمن الذین: 1-
یمشون علی الارض هوناً 2- اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً 3- والذین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً 4-
والذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان غراماً انها ساءت مستقراً و مقاماً 5- والذین
اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً 6- والذین لایدعون مع اللّٰه اِلهاً اخر 7- و لایقتلون
النفس الّتی حرم اللّٰه الالباق 8- و لایزنون... 9- والذین لا یشهدون الزور 10- و اذا مروا باللغو مروا کراماً
11- اذا ذکروا بآیات ربهم لم یخروا علیها صماً و عمیماً 12- والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا
قرهً اعین 13- **وجعلنا للمتقین اماماً**) اولئک ینجزون الغرۃ بما صبروا و ینلقون فیها تحیه و سلاماً
11 تسریع و تعجیل فرج، فرج خاندان پیامبر وقتی است که ما خودخواهی نداشته باشیم فرج یعنی مقام
ولایتی آنها احراز شود.

12- برای رسیدن به احسن الحال و اوج بندگی.

13- برای غافل شدن از عیب دیگران.

14- برای تسبیح و حمد دائمی: تسبیح یعنی تحت تاثیر مخلوق قرار نگرفتن، وابستگی و علاقه پیدا
نکردن، تسبیح یعنی موثر نپنداشتن مخلوق ما فطرتاً به دنبال بهترین می گردیم پس فقط دنبال خدا
میگردیم، تسبیح یعنی توجه من فقط به خداست پس بدون حمد نمیتوان تسبیح کرد در حمد، مدح و شکر
هم هست. حمد یعنی همه کمالات را در خدا دیدن، همه زیبایی ها را در خدا دیدن، پس حمد انگیزه تسبیح
را در فرد فراهم می کند حمد فرد را عاشق محمود می کند و وادار به قربه الیه میکند باید در حمد عشق
به خدا را در خود بیابیم.

اگر حمد داشته باشیم تسبیح خیلی راحت است.

انالله، انسان فقط مال خداست؛ پس همه کارش باید مال خدا باشد.

15- برای اطاعت و تبعیت، اطاعت در کلیات است (راهبردی است)، تبعیت در جزئیات است؛ هر تبعیتی زیر
مجموعه اطاعت است.

در زیارت می فهمیم که بایید با امام زمان خود هماهنگ شویم.

16- مرور تکالیفمان در ابعاد مختلف زندگی و انجام دائمی آنها.

اقمت الصلوة، اتیت الزکوة، جاهدت فی اللّٰه، امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر.

17- رسیدن به شور و نشاط و ابتکار و خلاقیت.

18- برای فهمیدن این اصل و پذیرفتن اینکه نباید تحت تاثیر ارث و شرایط محیط قرار گرفت. آیه 54 سوره مائده لایخافون لومه لائم... هیچ لوم لائم روی فرد اثر نگذارد.

13

یعنی: تهدید، تطمیع، توهین، استهزا، تحقیر، و به طور کلی شرایط روی آنها اثر نگذارد.

19- برای برخورداری از نفعات ربانی و جذب‌های ملکوتی زیرا پیامبر(ص) میفرماید: در ایام روزگار هایتان نفعه‌ها و وزشهایی از نسیم لطف الهی است، خود را در معرض آنها قرار دهید.

20- یادآوری این که این جا جای ماندن نیست. باید رفت باید با دست پر، چشم باز و گوش شنوا و قلب عاشق رفت. انالله و انالیه راجعون.. همه باید برای خدا باشیم لله بودن را اخلاص میگویند.

21- برای شناسایی بهترین صفات و فضائل مناسب شان انسان از جمله: اخلاص، صداقت، حق طلبی، تحت تاثیر لوم لائم قرار نرفتن، بصیرت، توجه توحیدی، اطاعت، تبعیت، اقامه نماز، مقاومت، استقامت، زهد، ورع، تقوا، اعمال صالح، مصلابت، حلم، محبت، ایثار، انفاق، سخاوت، نشاط، توکل، صبر، اجتهاز.

تذکر (1): زهد یعنی بی‌علاقگی به دنیا، ورع بالاتر از تقواست.

تذکر (2): اجتهاد یعنی فرزند زمان خویش بودن، به روز بودن، بر محفوظات تکیه نکردن.

تذکر (3): ایثار یعنی ترجیح دادن، کدام موثرتر است دنیا یا آخرت؟ (سوره نحل آیه 95) باید چیز از بین رفتنی را بگیرند، یک چیز ماندگار را بدهند، این ایثار است.

بل توثرون الحیاه الدنیا بل الاخره خیر وابقی. (آیه 16، 17 سوره اعلی)

آیا شما زندگی دنیا را عزیز میدانید در حالیکه زندگی آخرت بهتر و پایدارتر است.

ما می‌توانیم با مشاهده در طبیعت و تامل در ویژگی‌های موجودات از آنها درس‌های آموزنده زیادی یاد بگیریم. مثلاً

فراست را از اسب بیاموزید و یا 10 خصلت را از سگ بیاموزید که بعضی از آنها عبارتند از:

1- سگ هیچ‌گاه شب نمی‌خوابد، پس در شب کم خواب باشید.

2- هیچ‌سگی شکمش از پر خوری متورم نمی‌شود، کم‌خور باشید.

3- سگ به خریدار خودش که صاحب اوست همیشه وفادار است، سراغ صاحب قبل خود نمی‌رود.

4- هر حیوانی به جایی تعلق دارد، به لانه ای جز سگ، لذا می گویند وارستگی را از سگ بیاموزید، به اشیا تعلق نداشته باشید.

5- سگ شکارچی است، طبع غریزه اش، ولی وقتی شکار را می آورد دندان فرو نمی کند لذا شکار سگ پاک است، پس امانت داری را از سگ بیاموزید.

صلابت را از کوه ورع را از بوته های سبز گندم بیاموزید.

اما متن زیارت نامه ها از جمله زیارت جامعه کبیره-عالیه المضمین خود دانشگاهی از تعلیم و تادیب و فرهنگ است.

22- از ثمرات دیگر زیارت پاک شدن از انواع یاس و نا امیدی، افسردگی و کسالت و تنبلی و تکبر و احساس حقارت بطلت، لهو و لعو و از هر چه رذایل است در حقیقت میاموزیم آفت زدایی را.

14

"طهارت"

طهارت یعنی دادن پلیدی، ما در طهارت پلیدی را می دهیم لذا باید در طهارت آلودگی ها را بشناسیم و آلودگی ها را بدهیم، فطرت انسان پاک بوده، وقتی به دنیا آمدیم در اثر تعلقات دنیوی نجس شده ایم، به عبارتی رجس پیدا کردیم، چرک و جرم پیدا کردیم، قساوت گرفتیم، دچار دنس و خبث شدیم، خبث پیدا کردیم، به طور کلی دچار انواع رذایل شدیم، رجس و حسد و کینه بد دلی و بد دهنی و... همه این پلیدی ها را باید بشناسیم مثل جهل و عناد و لجاجت و... با زیارت رفتن غسل می کنیم، تطهیر می کنیم به عبارت دیگر یعنی دست برداشتن از هرگونه عداوت.

یعنی: اولاً خودمان عداوت نداشته باشیم، ثانیاً تحت تاثیر عداوت دیگران قرار نگیریم.

بهشتی ها، کسانی که ما به زیارتشان می رویم، هیچ گونه عداوتی با یکدیگر ندارند.

تعاونوا علی البیر والتقوی و لاتعاونوا علی الائم و العدو ان به یکدیگر بر نیکی و تقوی یاری کنید و مبدا یکدیگر را بر گناه و دشمنی کمک کنید.

یا: ان الشیطان ینزع بینهم، شیطان بین شما جدائی می اندازد زیرا شیطان دشمن شماست.

ان الشیطان کان للانسان عدواً میبنا آیه 53 سوره اسراء،

پس هر کس با انسان عداوت دارد شیطان است، شما هم مثل دشمن با او برخورد کنید.

عداوت با خصومت متفاوت است.

خصم در خصومت خود سودی برای خودش دارد اما در عداوت سودی برای خودش ندارد، پس عداوت یعنی بدخواهی.

هر مخلوقی انرژی و توانایی‌های فراوانی را در خود ذخیره دارد زیبایی جهان وقتی است که این استعدادها و توانایی‌ها شکوفا شود، وقتی شکوفا شود، وقتی شکوفا می‌شویم، جهان زیبا می‌شود، هر گونه حرکت، شور و نشاط، مال شکوفائی استعدادهاست مهمترین خطر برای هر موجودی **انواع آفت‌ها** هستند. آفت به هر چیزی می‌گویند که مانع شکوفائی انرژی و توانائی نهفته در موجودات می‌شود این آفت کارش **عداوت** است.

بنابراین اولین اقدام برای رشد و خودسازی و رسیدن به سعادت که هر انسانی ضرورت آن را خودش باید درک کند **حفاظت و تزکیه و تطهیر** است.

23- از آثار مهم دیگر زیارت تزکیه، تطهیر، آفت زدائی از خویش و سالم شدن همه جوارح و جوانح انسان از هرگونه عداوت است.

"چند نکته در باب زیارت"

1- در زیارت باید به معرفت بیندیشیم نه به منفعت.

2- زائر عاشق است نه جهانگرد.

3- زیارت دخل است نه خرج.

4- زیارت عملی عبادی است نه سیاسی.

15

5- زیارت فقط مربوط به شیعیان نیست و در متن دین است و عقل پشتوانه آنست.

6- زیارت قلمرو دل وادی محبت است، یعنی در زیارت پیش از آنکه استدلال شود که چرا باید رفت و رفتن را چه سود؟ پیش از دلیل و برهان عشق و شور و محبت نهفته است، پیش از عقل دل فرمان می‌دهد و زائر را به مزار می‌رساند، پس وادی زیارت جذبۀ درون است؛ زیرا اگر بداند و بشناسد مورد زیارت کیست، نمی‌پرسد کجاست، راه می‌افتد و هم چون خضر به دنبال آب حیات، موسی در پی عبد صالح روان می‌گردد تا رشدیابد و بهره گیرد و کامیاب شود، پس زیارت پیوند قلبی و محبت و عشق است.

7- زیارت دیدار طیب است. طیب ما کیست؟

خطبه 108 نهج: پیامبر طیب دواری بود تا ببیند کجا انسان گمراهی هست، هدایتش کند، از قلبهایی که کور دلند، گوش هایی که کردند، زبانهایی که لال شوند، اینقدر دارو می داد تا از غفلت در آید و از سرزمین هایحیرت در آید. زیرا انسانهای غافل مثل حیوانات هستند.

8- آن چه زائر را به پیمودن راهها و طی مسافتها و سفر وا می دارد **عشق** است. عشق معمار جان است، شوق انسان را حرکت می بخشد.

امیرالمومنین(ع) می فرماید: محبت خدا آتشی است سوزان و نوری است الهی که روشن می کند. یعنی آفت ها و پلیدی ها را می سوزاند و ما را روشن می کند. ائمه نیز در پاسخ به کسانی که به آنها ابراز محبت میکردند پاسخ میدادند: "حال که ما را دوست دارید آماده سختی ها باشید و تن پوشی از فقر و محرومیت بسازید. به قول معروف البلاء للولاء" بلا برای بزرگان است."

دلداده محبت خدا و اولیای خدا سر بر کف می نهد بر کوی دوست می دود راضی است بر هر چه او بپسندد، چه راحت، چه رنج، چه غم، چه شادی.

"ان المحب لمن یحب مطیع. عاشق نسبت به معشوق اطاعت و پیروی می کند.

پس عاشق دل را خانه حب خدا می کند.

اما نکته قابل تامل این که در مرحله اول نفرت از رجز است.

اول تبری سپس تولی است. پیامبر(ص) می فرماید: هل الدین الا الحب والبغض: آیا دین غیر از حب و بغض است؟ نفرت از رجز اول است، به مقدار نفرت از کثیفی پاکیزه آید. نفرت عاقلانه.

عشق بروز نفرت است، پس عشق به طهارت بروز نفرت از کثیفی هاست، اگر باطل را نخواهیم به سوی حق می رویم. بغض اول است، حب دوم است. الله... الله.

فمن یكفر بطاغوت و یومن بالله.

"قیام از مهمترین آثار زیارت"

زیارت اولیاء خدا و توجه زائر به آنها باعث توجه آنها می شود و این، توجه اولیای خدا به ما توفیق الهی را فراهم می کند و وسیله قرب ما به خدا می شود، زائر میهان معنوی اولیای خداست و با زیارت شایستگی آن را میابد که مورد توجه آنها قرار گیرد... نکته مهم این که شرط توجه زائر و ثمره توجه مزور **قیام** است، تا قیام نداشته باشیم به آنها توجه پیدا نمی کنیم و توجه به آنها باعث می شود قیام من ریشه دار شود، شرط توجه ما به آنها بلوغ و قیام است زیرا:

2- شرط وجوب عبادت و اطاعت و هر تکلیفی برای انسان.

3- و اولین رکن نماز.

4- پیام اصلی عاشورا و هر ماه محرمی هم قیام است.

5- شرط دریافت حکمت و علم الهی برای حضرت یوسف بلوغ و قیام است.

6- شرط تسبیح الهی هم تحقق قیام است.

و امبر لحکم ربک فانک باعیننا و سبح بحمد ربک حین تقوم پس انسان بی تفاوت و مشغول لهو و لعو قیام ندارد. و من الیل فسبحه و ادبار النجوم (49/52) وقت قیام شب است.

7- زیبایی کار جوانان اصحاب کهف هم این بود که خودشان زمامدار آسمان و زمین را یافتند، وقتی خودشان قیام کردند و حقیقتی را فهمیدند.

و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا اذ قالوا: ربنا رب السماوات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططنا 14 کهف.

8- آنهایی که می خواهند از اولیای الهی شوند باید در بیشتر لحظات شب قیام داشته باشند.

یا ایها المزملم الیل الاقلیلانصفه وانقص منه قلیلا وزدعلیه ورتل القرآن ترتیلا انا سنلقى علیک قولا ثقیلا ان ناشنه لیل هی اشد وطلنا واقوم قیلا ان لک فی النهار سبحا طویلا و ذکر اسم ربک وتبتل الیه تبتیلا.

9- در اولین شب برای آن آخرین بعثت، اولین فرمان به آخرین رسول: یا ایها المدثر قم فانذر قیام کن و هشدار بده زمینه کبریایی خدا را فراهم کن.

10- قرآن فقط آنهایی را که بخواهند قائم و استوار باشند به راهی استوار هدایت می کند "ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم.

اللتی منظور طریق است به راهی که اقوم است.

کسی که بخواهد تعادل خود را حفظ کند. استوار باشد.

11- تنها موعظه پیامبر اکرم نیز قیام برای آفریننده هستی است "قل انما اعظکم بواحد ان تقومولله مثنی و فردی ثم تتفکروا

پس انسان برای فرار از کسالت، افسردگی، مقاومت، پوچی و پوسیدن و رهایی از انواع محرومیت و عذاب های ابدی چاره ای جز روئیدن و شکوفا سازی توانایی ها و استعداد هایش ندارد، انسان باید مانند گیاهان هر لحظه استعداد هایش را رو به نور حق با ابتکار و خلاقیت و شور و نشاط و رضایت ابراز و اظهار

نماید به نحوی که حتی دوروزش برابر نباشد. یعنی او که در احسن التقویم آفریده شده و سعادت و راحتی خود را درحی قیوم می داند. بهترین مقوم ها به او داده شده در درون (عقل متصل) و (عقل منفصل) در بیرون را دارد و حسابرسی در قیامت را باور دارد و هدایت بر صراط مستقیم را در هر نمازش می طلبد پس او باید زمینه قیام و مقاومت و استقامت خود را در شرایط و موقعیتهای مختلف زندگی فراهم آورد

17

"شرط قیام چیست؟"

ایستادن و قیام جسمی بر مبنای مایعی در لایه میانی گوش است که، انسان در زمین گرد و دوار خود را ایستاده می پندارد اما انسان قیام شناختی و شخصیتی خود را در هر شرایطی فقط بر مبنای فطرت دینی و دین فطری خود می یابد "فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها ذلک دین القیم آیه 30س30

یعنی فطرت شما مقوم شماست.

البته از منظر وحی قیام حقیقی و روحانی و همه جانبه انسان و موفقیت دنیایی و شان آخرتی هر انسانی فقط با اقامه کتب آسمانی و اقامه نماز تامین می شود.

والذین یمسکون و اقاموا الصلوٰة انالانضیع اجرا المصلحین

و آنان که به کتاب آسمانی توسل جویند و نماز به پا دارند (پاداش بزرگی دارند زیرا): ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.

تمسک به کتاب خدا یعنی در مسک خدا قرار گیریم با کتاب خود را تراز کنید و نماز به پا دارید.

پس یک قیام اولیه لازم داریم و یک قیام هم قرآن به ما می دهد که نماز است. بنابراین یکی از مهمترین مقاصد نبوت این است که مردم بر مبنای قرآن و نماز و قسط قیام پیدا کنند، لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فیه باس شدید و منافع للناس و لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز آیه 25 س حدید.

چنین قیامی امکان ندارد مگر این که انسان خود را به مقام: مومنین، مقیم الصلوٰة صالحین، ذاکرین، قانتین، محبین، شاکرین، متقین، صادقین، حافظین فروجهم، متصدقین، امرین بالمعروف، ناهین عن المنکر، موقنین... و به مقام ابرار برساند.

پس انسان تا مبنای درونی خود را نیافته باشد هیچ شانی نخواهد داشت، هیچ شخصیت و مقامی نخواهد داشت. برای این منظور او باید خودش را در هر نماز با مقام ابراهیم تنظیم کند.

واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا و اتخذوا من مقام ابراهيم مصلى(125س بقره)مقام ابراهيم مكان نمازهاست.

دغدغه های این مقام این است: اذ قال ابراهيم رب اجعل هذا بلدا ممنا وارزق اهله من الثمرات(126س بقره)یعنی کمترین بخل و خودخواهی ندارد

تمنای این مقام این است:

1-ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم(127 و 128 س بقره)

2- ربنا و جعلنا مسلمين لك(مسلمين یعنی همیشه تسلیم امر خدا باشد)

3-و من ذريتنا امة مسلمة لك.

4-وارنا مناسكنا.

5-وتب علينا انك انت التواب الرحيم.

18

6-ربنا و بعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتاب و الحكمة و يزيكهم انك انت العزيز الحكيم(129س بقره)

لذا بیاعتنایی به چنین مقامی حماقت محض است و من یرغب عن مله ابراهيم الا من سفه نفسه.

زیرا او(ابراهیم) برگزیده و شاخص و معیار و صاحب مقام ماست و لقد صطفیناه فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین.

اذ قال ربه اسلم، قال اسلمت لرب العالمین.

زیرا او به مقام تسلیم رسیده بود و دغدغه و سفارش او به فرزندانش مقام تسلیم بود.

پس وجوب حج برای انسان بالغ یافتن مقام حضرت ابراهیم است و زیارت هر پیامبر و امام و امامزاده ای هم اگر زائر را به مقام های آن معصوم متوجه نسازد و او را برای دیدن به آن مقام مشتاق نماید اجر چندین حج دارد.

مثلا در مسجد سهله 7 مقام داریم: مقام امام صادق(ع)، مقام حضرت ابراهیم، مقام حضرت ادريس، مقام حضرت خضر، مقام صالحین مقام حضرت زین العابدین(ع)، مقام امام زمان(عج)

از امام صادق(ع) باید شریعت را بگیریم، مقام تسلیم از حضرت ابراهیم، از حضرت خضر مقام علمی بالا، و از حضرت زین العابدین مقام دعا و مناجات(سید الساجدین)

وکسانی خود منتظر حضرت حجت هستند که خودشان حجت باشند، و وقتی لیاقت دیدار پیدا می کنیم که
به مقام اطاعت برسیم.

"به امید آن روز"